

تاریخ فلسفه غرب – ۱۷

معمای تغییر

مسعود زنجانی : «در یک رودخانه نمی توان دو بار پای نهاد ». این مشهورترین جمله‌ای است که در تاریخ فلسفه با نام هراکلیتوس پیوند خورده است و البته موجب سوء فهم‌های تاریخی فراوانی در باب فلسفه او شده است. افلاطون و ارسطو، آن را به معنای «همه چیز در تغییر است» دانسته‌اند و از آن به عنوان نوعی اعتقاد هراکلیتوس به «تغییر مدام» و «متلازم دایم» در جهان تعبیر کرده‌اند. این برداشت خطا نیست، اما حقیقت معنایی و ژرفای آن را بدون تکیه بر دیگر آموزه‌های اصلی هراکلیتوس نمی‌توان شکوفا کرد. در واقع، غفلت شاگردان و پیروان هراکلیتوس از چنین تامل جامعی موجب برداشت‌ها و تفسیرهای یکسویه و احياناً ناجایا از وی شده است. مشهور است که کراتیلوس، یکی از شاگردان هراکلیتوس، گفته بود که «در یک رودخانه نمی‌توان یک بار پای نهاد». می‌توان گفت که برداشت کراتیلوس هم‌پزیره نیست و به نوعی امتداد منطقی سخن هراکلیتوس است. هراکلیتوس به پشتوانه این منطق می‌گفت که «در یک رودخانه نمی‌توان دو بار پای نهاد»، چون که در بار دیگر رودخانه همان رودخانه نخواهد بود. زیرا رودخانه، در سرشت (جوهر) خود، در سیلان دائم است، هرچند، در ظاهر امر، برای ما «حرکت جوهری» آن آشکار نیست. اما حرکت جوهری ویژگی همه هستنده‌ها است و ما هم، به عنوان هستنده‌ای از هستنده‌ها، پیوسته در تغییر مدام هستیم و از این قانون فرارگیر، مستثنا نیستیم. از این رو ما هم، در بار دوم می‌خواهیم پای در رودخانه نهیم، ما نیستیم. و اگر نیک در این مسئله تامل شود آشکار است که اساساً بار دومی در کار نخواهد بود. به طور کلی، «تکرار» یک واقعیت به معنای تکرار سرشت (جوهر) آن است، ولی اگر هیچ سرشتی ثابت نباشد، دیگر، تکرار هیچ واقعیتی امکان نخواهد داشت و نهایتاً تکرار هم جز مفهومی بی‌مصدق نخواهد بود. «هیچ سرشتی ثابت نیست» به معنای آن است که «هیچ چیزی خودش نیست». به عبارت دیگر، «واقعیت واقعیت ندارد». و اگر جز این بود چگونه ممکن بود که واقعیتی به ضدخود تبدیل شود؟ این نتایج همه درست است، با این همه، باز هم، نمی‌تواند تمام حقیقت هستی‌شناسانه هراکلیتوس را حکایت کند. این سویه‌نگلی فلسفه هراکلیتوس است، سویه‌هایدگر آن باقی مانده که البته مهم‌تر است. در واقع، هستی‌شناسی هراکلیتوس عبارت از «ثبات در عین تغییر» است. «ثبات هستی» در عین «تغییر هستنده‌ها». آنچنانکه وحدت هستی، نیز، در عین کثرت هستنده‌ها است. این نکته با نظر به دیگر آموزه‌های هراکلیتوس، که در یادداشت‌های پیشین به تفصیل از آنها سخن گفتیم، آشکار می‌شود. از نظر هراکلیتوس، «لوگوس» یا همان «عقل کیانی» حقیقت واحد و ثابت هستی است که اگر نبود کثرت و تغییر هستنده‌ها هم نبود. در واقع، پیروان هراکلیتوس غفلت از «لوگوس»، به عنوان پایه‌ای‌ترین آموزه هستی‌شناختی او، از ژرفای هستی بازمانده و صرفاً در سطح هستنده‌ها (جهان محسوس) باقی مانده‌اند و بدین سان، به نادرست، موجب «حس‌گرا» نامیده شدن هراکلیتوس گشته‌اند. در یادداشت پیشین اشاره کردیم که از نظر هراکلیتوس، حواس تنها مجاری ابتدایی ارتباط با لوگوس هستند و او از حواس انسانی به «گواهان‌بده» تعبیر می‌کند.

باری، حواس تنها می‌توانند ما را با هستنده‌ها پیوند دهد و می‌پوشاند و شاید از همین رو است که برخی‌بالاترین‌مرتبه هستنی را «نیستی» می‌نامند.

masoud@vivaphilosophy.com

هستنده‌ها را می‌نمایاند و بود هستی را

می‌پوشاند و شاید از همین رو است که

برخی‌بالاترین‌مرتبه هستنی را

«نیستی» می‌نامند.

از ۱۱ سپتامبر تا ۲۰ مارس
کتاب «۱۱ سپتامبر تا ۲۰ مارس» با هدف تأکید بر ضرورت تفاهم و احترام متقابل ادیان، و روز جمعه ۱۰ شهریورماه در محل رابزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آلمان بررسی می‌شود. به گزارش مهر، پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر نیز سواراد اشتراک و تفاوت میان ادیان اسلام و مسیحیت موضوع بحث میان متفکران این دو دین بود. گفت و شنو بین این دو نیز از قرن هشتم میلادی جریان داشته است و هزارگانه‌ی مسیحیان یا مسلمانان ابتکار این گفت‌وگو را به دست می‌گرفتند. اما اکنون به خصوص ناظران غربی روز ۱۱ سپتامبر را نقطه تحولی در مناسبات میان دین دو دین الهی می‌پندارند.
استاید علوم الهی و اسلام‌شناسان، مسلمانان و غیرمسلمانان همواره در یک مورد اشتراک نظر دارند و آن نیاز به تفاهم و درک متقابل است. کتاب «۱۱ از سپتامبر تا ۲۰ مارس» اثر پتر هاینه استاد اسلام‌شناسی دانشگاه هومبولت برلین و هشیم عیاش روزنامه‌نگار ساکن برلین با حضور آنها در محل رابزنی فرهنگی ایران در برلین موردبررسی قرار می‌گیرد.
پروفسور دکتر پتر هاینه از سال ۱۹۹۲ استاد اسلام‌شناسی دانشگاه هومبولت برلین است. او «مرکزشرق‌زمین مدرن» در برلین را بنیان نهاده است. پروفسور هاینه به‌ویژه در زمینه‌های تاریخ فرهنگ اسلامی، مسائل مسلمانان در غرب و مباحث اسلامی پیرامون فوتبال کار کرده است.
هشیم عیاش در سال۱۹۵۸ در سوریه به دنیاآمده و در دمشق و کلن زندگی کرده است. او در رشته‌های تاریخ، علوم سیاسی و ادیان تحصیل کرده است. عیاش از سال ۱۹۹۲ به عنوان روزنامه‌نگار برای چند خبرگزاری کار می‌کند.

دلائل، تصمیم‌ها، قصد‌ها و خواست‌ها

همایش «مقدمات اعمال : دلائل، تصمیم‌ها، قصد‌ها و خواست‌ها» تا ۲۳ و ۲۶ شهریورماه اسال در دانشگاه پونشدام آلمان برگزار می‌شود. به گزارش مهر انجمن فلسفی دانشگاه پونشدام برگزارکننده این همایش‌ها است.
بحث نسبت خواست‌ها و قصد‌ها از یکسو و دلائل و تصمیم‌ها از سوی دیگر با اعمال یکی از پیچیده‌ترین بحث‌هایی است که نه تنها در علوم چون عصب‌شناسی و روان‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرد که فیلسوفان هم به آن بحث علاقه دارند. بسیاری از فیلسوفان قاره‌ای و تحلیلی در این یکی دو دهه بدان پرداخته‌اند. در این همایش هم قصد آن است که این نسبت مورد توجه قرار گیرد.

می‌گوید که فیلسوفان به این بحث علاقه دارند.

بسیاری از فیلسوفان قاره‌ای و تحلیلی در این یکی دو دهه بدان پرداخته‌اند. در این همایش هم قصد آن است که این نسبت مورد توجه قرار گیرد.

می‌گوید که فیلسوفان به این بحث علاقه دارند.

بسیاری از فیلسوفان قاره‌ای و تحلیلی در این یکی دو دهه بدان پرداخته‌اند. در این همایش هم قصد آن است که این نسبت مورد توجه قرار گیرد.

اگر به رویه تاریخ بشر برگریم، می‌توانیم آن را بستر سیر خشونت در گونه‌های مختلف آن و در ادوار گوناگون زندگی بشر ببینیم. خشونت آشکارترین وجه حیات جمعی انسان بوده است که در دوران ما صورتی وحشت‌انگیز و نفرت‌آورتر از گذشته یافته است. بدون تردید می‌توان قرن گذشته میلادی را خشونت‌بارترین دوران تاریخ دانست که با کمال تاسف این روند به صورت نگران‌کننده‌ای در قرن جاری نیز تداوم یافته است. دو جنگ جهانی، جنگ‌های منطقه‌ای و جنگ سرد و بروز و ظهور اشکال دهمشت‌آوری از تروریسم، مهم‌ترین وقایعی بودند که زندگی انسان را در شرق و غرب از خشونت بی‌نقاب پرکردند. گرچه هنگامی که انسان غربی به دوران «مدرن» یا نهاد چنین پنداشت که با پشت سر گذاشتن عهد اسطوره و متافزیک به مرحله‌ای وارد شده است که به مدد دانش و بینش علمی می‌تواند به همه ناآمی‌ها، رنج‌ها و اسارت‌های خود پایان دهد و ایماگور این بود که بهشت موعود ادیان را به جهانی دیگر که در همین جهان مستقر سازد. اما دیری نپایید که اختلاف شدید طبقاتی در متن نظام‌های نوین سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و پدیده زشت استمرار در بیرون مرزهای ملی غرب، بشر را در کوره خشونت گذاشت که تصور و تصویر آن حتی در ترازیک‌ترین داستان‌های مخلوق زبردست‌ترین نویسندگان نیز وجود نداشت. قرن نوزدهم همچنین قرن ظهور ایدئولوژی‌هایی بود که با وجود اشتراک در نگرانی از وضعیت جدید در ارائه تصویری مطلوب از زندگی تفاوت داشتند و مشهورترین آنها همان بود که توسط مارکس و هم‌راهان و هم‌آرایان او عرضه شد. مارکس را بحق باید آسیب‌شناس بزرگ جهان سرمایه داری دانست، هرچند که در درمان درد طبیب حاقفی نبود، بلکه بر دامنه و شدت درد نیز افزود. نسخه موردنظر مارکس با تغییراتی به تناسب زمان و مکان در روسیه و چین مورد آزمایش قرار گرفت تا با قطب‌بندی‌های جدیدی در صحنه جغرافیای سیاسی و جغرافیای فرهنگی جهان دوره تازه‌ای از تشش و دلهره را پدید آورد. آنچه در ایدئولوژی‌های نوآیین در برابر خشونت بی‌حساب مدعیان آزادی در درون و بیرون مرزهای جهان مدرن مورد توجه و حتی تقدس قرار گرفت باز هم خشونت بود که به راه انقلاب می‌بایست سرنویشت دیگری را برای انسان به ستوه آمده از خشونت و محرومیت رقم بزند. مارکسیسم گرچه در عمل برخلاف پیش‌بینی بنیانگذاران آن نه تنها در پیشرفته‌ترین جوامع صنعتی و بورژوازی محقق نشد، اما آنان را به خود آورد تا هوشرارانه بتوانند بخشی از عوامل نابودی خود را از میان بردارند و با اصلاح سیستم اقتصادی، سیاسی، حقوقی و حتی مدنی خود دوام لیبرال دموکراسی را تضمین کنند، اما استثمار که لازمه دوام و رشد سرمایه‌داری بود، همچنان به صورتی تازه و عمدتاً با انتقال از عرصه روابط دوجانبه استثمارگر و استثمار شده به عرصه نظام نوین بین الملل انتقال یافت، امری که رفیق تازه به دوران رسیده غرب بورژوازی نیز به جای آزادسازی ملت‌ها، کشورهای پُررو را به مناطق تحت نفوذ استعماری- استعماری خود در آورد. از سوی دیگر کشورهای تحت سلطه نیز به سائفه آزادی‌خواهی که در فطرت بشر نهفته است و نیز تاثیر ایدئولوژی‌های مدرن نظیر ناسیونالیسم و سوسیالیسم، با خاستند و قرن بیستم را به قرن مبارزات آزادی بخش مبدل کرد و از آنچه در این ميان دهر دید و بر صدر نشست باز هم خشونت بود. با فرو نشستن توفان جنگ جهانی دوم و ظهور دو قطب بزرگ میراث‌خوار استثمار قدیم تاریخ بشر دوران پر دلهره جنگ سرد را تجربه کرد. در این میان در بسیاری از کشورها شاهد بروز و ظهور جنبش‌هایی بودیم که در برابر تحقیری که از سوی استعمارگران و سلطه طلبان تحمل کرده بود و نیز با مشاهده تازاج همه منابع مادی و معنوی و آزادی و استقلال خود، صدای مظلومیت مادی و معنوی را بلند کردند و آن را رنگ

خویش را به خشونتی نفس گیر مبدل کردند و آن را رنگ ایدئولوژی دادند، دایره بسته خشونت دو جانبه به صورت سرکوب از یکسو و تروریسم از

سوی دیگر، جهنم خشونت را سوزانند کرد. با فروپاشی اردوگاه شرق که می‌توانست پایان دوران جنگ سرد باشد، به صراحت از سوی یکجانبه‌گرایان که مدعی برون افکنانه آنها را به انقلاب می‌بایست سرنویشت دیگری را برای انسان به ستوه آمده از خشونت و محرومیت رقم بزند. مارکسیسم گرچه در عمل برخلاف پیش‌بینی بنیانگذاران آن نه تنها در پیشرفته‌ترین جوامع صنعتی و بورژوازی محقق نشد، اما آنان را به خود آورد تا هوشرارانه بتوانند بخشی از عوامل نابودی خود را از میان بردارند و با اصلاح سیستم اقتصادی، سیاسی، حقوقی و حتی مدنی خود دوام لیبرال دموکراسی را تضمین کنند، اما استثمار که لازمه دوام و رشد سرمایه‌داری بود، همچنان به صورتی تازه و عمدتاً با انتقال از عرصه روابط دوجانبه استثمارگر و استثمار شده به عرصه نظام نوین بین الملل انتقال یافت، امری که رفیق تازه به دوران رسیده غرب بورژوازی نیز به جای آزادسازی ملت‌ها، کشورهای پُررو را به مناطق تحت نفوذ استعماری- استعماری خود در آورد. از سوی دیگر کشورهای تحت سلطه نیز به سائفه آزادی‌خواهی که در فطرت بشر نهفته است و نیز تاثیر ایدئولوژی‌های مدرن نظیر ناسیونالیسم و سوسیالیسم، با خاستند و قرن بیستم را به قرن مبارزات آزادی بخش مبدل کرد و از آنچه در این ميان دهر دید و بر صدر نشست باز هم خشونت بود. با فرو نشستن توفان جنگ جهانی دوم و ظهور دو قطب بزرگ میراث‌خوار استثمار قدیم تاریخ بشر دوران پر دلهره جنگ سرد را تجربه کرد. در این میان در بسیاری از کشورها شاهد بروز و ظهور جنبش‌هایی بودیم که در برابر تحقیری که از سوی استعمارگران و سلطه طلبان تحمل کرده بود و نیز با مشاهده تازاج همه منابع مادی و معنوی و آزادی و استقلال خود، صدای مظلومیت مادی و معنوی را بلند کردند و آن را رنگ

فکر غریب

صالح نجفی: نخستین متفکران روزگار قدیم در یونان با شد، حیرت آور این است که چنان اندیشه‌ای (اندیشه ضرورت وجود خدا) در ذهن حیوان وحشی و شریری چون انسان وارد شود. والتر به طور ضمنی روی این حقیقت غریب انگشت می‌گذارد که یگانه حیوان شریر در عالم طبیعت انسان است و به تعبیر دیگر، از دل مفهوم شر است که داستان کتاب مقدس می‌زاید و فکر خدا – و البته نه خدا – برون می‌تراود. اینکه متفکر «گناهکار» و بی‌خدایی چون ولتر رمز نسبت اندیشه خدا با شرارت حیوانی به نام انسان را می‌گشاید، دلالت دارد بر این معنا که تصور بی‌گناهی (و در صورت مطلق آن، همان اندیشه خدا) لاجرم زاییده تصور گناه است (و در صورت مطلق آن، شرارت اهریمنی). تفکر، که به قول ارسطو روند متصلی است که از اعجاز آغاز می‌شود و از رهگذر داستان‌سناریی به نظریه‌پردازی می‌رسد، در حقیقت محصول قسمی قوی‌تر است. انسان تنها حیوانی است که خطا می‌کند و در قالب داستانی عجیب‌آن‌را به گناه تعبیر می‌کند و در محدوده حیات متناهی به تفکر نامتناهی می‌آیزد، انسان موجودی است که در آب «استوکس» شست‌وشو کرده، به بهای از کف دادن جسد‌وانگهی او از همین روی است که می‌تواند به بی‌نهایت بیندیشد.

پایگاهی برای پیر بورودیو به فارسی

بودند به وجود می‌آورد. ناصر فکوهی به گفته خودش به دلیل دین بزرگی که نسبت به این اندیشه در شکل‌گیری شخصیت علمی و تفکر خود احساس می‌کند بر آن است تا بخشی از فضای سایت خود را به این اندیشمند بزرگ فرانسوی اختصاص دهد که خوشبختانه به همت روشنفکران ایرانی تاکنون در ایران ناشناخته نمانده، برخی از کتاب‌ها و مقالات مهم او به فارسی ترجمه شده و یا در حال ترجمه هستند. بنابراین این بخش به طور کامل در اختیار تمام کسانی است که مایل هستند به نوعی به گسترش اندیشه غنی و پربار بورودیو در زبان فارسی باری رسانند. فکوهی در معرفی این بخش جدید می‌گوید: «نگارنده خود نیز در حد توان و بضاعتش در این کار سهم خواهد بود و تلاش خواهد کرد علاوه بر گردآوری و معرفی تمام آثار منتشر شده از بورودیو به فارسی، آنچه را می‌تواند از او و درباره او به فارسی برگرداند و یک گالری نیز از عکس‌های او گردآورد. اما بی‌شک بدون کمک دوستان علاقه‌مندی‌ها و آخیرین غول اندیشه اجتماعی – سیاسی اندیشمندی در ابعاد بورودیو نگه‌دار. گشایش این بخش، به دنبال بورودیو توانست با مجموعه نوشته‌ها و کتاب‌های خود که به جهان از می‌جالد علی می‌شوند جان تازه‌ای به جامعه‌شناسی بپاشد و بدین‌را به صورت واقعی در کنار مسائل حیاتی جوامع کنونی انسانی کند. امروز بیش از سه سال پس از مرگ بورودیو اندیشه او رفته‌رفته با قدم‌هایی مطمئن در سراسر جهان نفوذ کرده و امید آن‌است در دل تمام کسانی که از آینده علوم اجتماعی و انسانی در درگیر شدن با مسائل پیچیده جهانی کنونی، امید شده

انجامی و انسان‌شناسی است.

حکمت شادان

متن سخنرانی سیدمحمد خاتمی در هشتمین اجلاس بین‌المللی ادیان برای صلح

جنگ و صلح



این مسیر به کار می‌گیرد و آنکه قدرت ندارد می‌کوشد تا ابزار قدرت را به هر قیمتی به دست آورد و این منطق وحشتناک مخالف منطق است که همه

پایمان‌برداران، همه ادیان بزرگ و همه مصلحان، منادی و معلّم آن بوده‌اند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. این خشونت‌ها تاریخ بشر را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال زور و خشونت را رسالت الهی و انسانی خود تلقی می‌کنند و می‌کوشند تا افکار عمومی بی‌گناهان خود را به سوی این هدف شیطانی بسیج کنند. اما از شگفتی‌های تاریخ بشر اینکه خشونت طلبان پیام محبت و صلح ادیان و فرهنگ‌ها را نیز در مسیر اهداف ویرانگر خود تحریف می‌کنند و اعمال